

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دوازدهم - شماره اول - بهار 1398 - شماره پیاپی 43

نگاهی به ویژگیهای سبکی منظومه مجمع‌البحرین اسیری

(ص 299 - 320)

احمدرضا یلمه‌ها (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، سیده فرحناز امامی شهرضایی<sup>۲</sup>، امید مجد<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: زمستان 96

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار 97

#### چکیده

منظومه مجمع‌البحرین شاعری متخلص به اسیری (تصنیف 913ق.)، از مجموعه اشعار آیینی است که مشتمل بر 11400 بیت است. این نسخه خطی با وجود پختگی زبان و اندیشه شاعر، اهمیت آن در سیر تحول سبکی، داشتن مختصات کهنه و نو، شرح و بسط زندگی پیامبر اکرم (ص) تا رحلت ایشان و دل‌آوریهای حضرت علی (ع) به شیوه حماسی و نیز دارا بودن واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی، دینی، عربی، ترکی، مغولی و ترکیبات ابداعی، کمتر مورد بررسی و شناخت قرار گرفته است. اگر چه اسیری در کاربرد صنایع لفظی و معنوی تواناست ولی در این حماسه دینی که مخاطبین آن عموم مردم هستند، کاربرد صنایع لفظی بیشتر مشاهده میشود، بویژه آرایه‌های تکرار و جناس که بالاترین بسامد را دارند. او کمتر به تعمق میپردازد و از صنایع معنوی و بیان در حد اعتدال بهره جسته است. آرایه تشبیه به ویژه از نوع حسی-حسی بالاترین و مجاز کمترین بسامد را دارد. افکار عارفانه؛ بر پایه عشق بودن جهان، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، انسان کامل و... از جمله مختصات فکری شاعر شیعه مذهب این منظومه است. با واکاوی همه ابیات منظومه در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری به شیوه استقرایی و توصیف و تحلیل، نگارندگان این مقاله کوشش کرده‌اند تا به این پرسش پاسخ دهند که اهمیت و ویژگیهای سبکی مجمع‌البحرین چیست؟

**کلمات کلیدی:** سبک‌شناسی، اسیری، مجمع‌البحرین، حماسه دینی، قلمرو زبانی، ادبی و فکری

1- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (ayalameha@yahoo.com)  
2- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (Emami\_763@yahoo.com)  
3- دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران majdomid@ut.ac.ir

## 1- مقدمه

دلدادگی دینی و عشق به نبی اکرم (ص) و امیرالمومنین علی (ع) سابقه‌ای دیرینه دارد و از آغاز خلقت این شیدایی بر طینتهای پاک حک شده است. تبلور این شیدایی عامل ظهور آثار آیینی و اشعار حماسی \_ دینی است که ابتدا با مناقب خوانی و مدح خاندان عصمت و طهارت جلوه کرده است. بر اساس تحقیقات پژوهشگران "منظومه‌ی علی‌نامه نوشته شده در قرن پنجم نخستین تجربه‌ی شعر حماسی شیعی ائنا عشری در تاریخ ادب فارسی است" (توصیف و توصیف‌گری در منظومه‌ی حماسی علی‌نامه، ص3).

نظم و نثر بعد از حمله‌ی مغولان (616ق.) تا نیمه‌ی اول قرن هشتم تا حدودی، جایگاهی دارند اما در نیمه‌ی دوم قرن هشتم با حمله‌ی امیر تیمور گورکانی باقیمانده‌های ادبی نیز به دیار فانی رهسپار شدند. خوشبختانه جانشینان تیمور که تا سال (906ق.) حکومت کردند مانند جانشینان چنگیز متمدن شده و عامل رونق ادبیات گشتند ولی به علت از بین رفتن کتابخانه‌ها و کتابهای اصیل، ادبیات (بدون در نظر گرفتن شاخص‌ها) سطحی و تقلیدی شد. تاریخ‌نویسی که از زمان چنگیز رواج یافته بود، قدم به سیر صعودی نهاد و در دوره‌ی صفوی آرام آرام شعر از دربار بیرون رفت، مردمی شد و رنگ دینی \_ عرفانی یافت. کتابهای مذهبی و حماسه‌های دینی که به نگارش تاریخ اسلام، منقبت پیامبر اکرم (ص) و صحنه‌های مبارزات و فداکاریهای شجاعانه‌ی حضرت علی (ع) می پرداختند، در اواخر دوره‌ی تیموریان و در روزگار صفویان به بار نشستند.

منظومه‌ی مجمع البحرین اسیری، شاعر اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم نیز به این مهم پرداخته است. اسیری شاعری است شیعه مذهب که به عرفان ابن عربی معتقد است. او به شرح مباحث حماسی\_دینی و دقایق عرفانی (وحدت وجود، تشبیه و تنزیه، عشق، صفات حق، نبوت و ولایت، انسان کامل، فیض اقدس و مقدس ...) میپردازد و با بررسی لایه‌های شعری شاعر، حسب حال، شهودات، ضمیر پنهان و اندیشه‌ی بالنده‌ی او نمایان میگردد.

در این منظومه وفور لغات عربی، ابیات مزین به آرایه‌ی ملمّع و تلمیحات قرآنی و دینی، گویای آگاهی کامل شاعر به زبان عربی و مباحث دینی هستند. با وجود ردّپای بدیع معنوی و بیان، ملاحظه میشود که صنایع لفظی، آوایی و موسیقایی بسامد بیشتری دارد. لحن شاعر روایی - داستانی است و به تقلید از حماسه‌ی فردوسی، برای ایجاد انگیزه، شوق و انتظار در خواننده، به شگرد براعت استهلال در آغاز بیان هر واقعه‌ی تاریخی دست میزند و سپس با الفاظ حماسی تصویر سازی کرده، صحنه‌ها را برای خواننده ملموس مینماید و در پایان با

مناجات و بیان دقیق دینی- اخلاقی هر فصل را به پایان میرساند. اساس کار او در بیان وقایع، اتقان و درستی است. با غور و بررسی به شیوهٔ استقرایی و توصیف و تحلیل در قلمرو زبانی و ادبی شاعر، به سبک شاعر که مجموعه ای از سبک خراسانی و عراقی است، دست میایبیم و شاهد مختصات نو و کهنه در آن هستیم. گفتنی است که مشاهدهٔ ماده تاریخ، معما، دوری شعر از موضوع ستایشی- درباری، رویکرد دینی- عرفانی و ورود واژگان عامیانه همراه با اعتقادات مردمی نیز بیانگر جلوه هایی از مقدمات ظهور سبک هندی به منظومه است.

## 2- پیشینهٔ تحقیق

بر اساس تحقیقات بدست آمده مقالهٔ "مجمع البحرین، حماسهٔ تاریخی \_ دینی ناشناخته (سروده 913 ق.)" و مقالهٔ "معراج پیامبر (ص) در یک حماسه نا شناخته دینی در قرن دهم" که نویسندهٔ هر دو مقاله حامد شکوفگی است به ساختار و موضوع حماسهٔ مجمع البحرین اسیری اشاره ای شده است و در نهایت به برخی ویژگیهای آن در دو بخش حماسی- ادبی و تاریخی پرداخته است.

اما در تحقیق پیش روی، سعی شده است، اثر را در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری با شیوهٔ استقرایی و توصیف و تحلیل به طور کامل بررسی نماید و با تأمل در بسامد موضوعات سه قلمرو، به رونمایی از سبک شاعر بپردازد و زوایای پنهان فکر و اندیشهٔ شاعر را روشن سازد.

## 3- معرفی شاعر منظومهٔ مجمع البحرین

نام شاعر منظومه در اثر درج نگردیده است و ما ناگزیریم بیشتر از فحوای ابیات و اشاره های تاریخی شاعر را معرفی نماییم. تنها تخلص اسیری از بستر اشعار، در پایان هر فصل، بعد از مناجاتهای جذّابش مشاهده میشود:

تو را آب رحمت چو در خامه است      چه باک از اسیری سیه نامه است  
(ص239)

او از شاعران قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است و در این زمان تاریخ نام چهار اسیری را ثبت کرده است: 1\_ محمدقاسم، شاعر دربار اکبر شاه، 2\_ نمازی بن قاضی حنفی رازی، 3\_ اسیری هروی، 4\_ اسیری لاهیجی نوربخش. بر اساس تارنمای کتابخانه، موزه، مرکز اسناد و مجلس شورای اسلامی، مرحوم عبدالحسین حائری، مورد اخیریا ماقبل آن را انسب میدانند. اسیری شیعه مذهب است و همواره خود را گدای راه امام کامل میدانند و با بیان کرامات ودلاوریهای حضرت علی (ع) بر قدر منظومه اش میافزاید:

علی ولی آنکه هر کاملی      خط بندگی دادش از مقبلی  
(ص 230)

او ارادت خاصی به شاه اسماعیل صفوی داشته و بخشی از منظومه اش را به مدح او اختصاص داده است و چون در پایداری او دعا میکند (اقامه الله) پس حتما در حیات او حاضر بوده است:

که آن شهریاری که دل جای اوست      زبان در دهان کارفرمای اوست  
(ص 10)

ناظم مجمع البحرین گویا از پیروان فرقه صوفیه نوریخشیه است. او در فصل نعت نبی اکرم (ص)، خاک پای حضرت را سرمه چشم نوریخش، موسس طریقه نوریخشیه میدانند:  
بد آن خاک پا سرمه نوریخش      که برده از او روشن و کور بخش  
(ص 4)

شاعر هنگام سرودن مجمع البحرین حدود پنجاه سال داشته است:

چو شد بیک عمرم ز پیری زبون      قدم نانهده ز پنجه برون  
(ص 14)

اسیری امیدوار بوده است که بعد از پایان این کتاب با لطف خدا کتاب دیگری را آغاز نماید. او پیوسته از حق، معرفت و اسرار غیبی را طالب است و در صورت مقبولیت کتابش پاداش خویش را برتر از عمر جاودان میدانند:

که این خدمتم گر قبول اوفتد      بود جایزه اش به ز عمر ابد  
(ص 272)

مراد از حیات است نطق و نفس      چو باقی بود نطق، باقی است کس  
(ص 272)

#### 4- محتوای مجمع البحرین

نسخه خطی مجمع البحرین مشتمل بر 11400 بیت مثنوی، درباره زندگی حضرت محمد (ص) و جنگهای او تا رحلت ایشان و فتوحات حضرت امیرالمومنین (ع) است. شاعر در آغاز بیان هر واقعه از صنعت بראعت استهلال برای آمادگی مخاطب و فضا سازی مناسب استفاده میکند و بعد از بیان وقایع تاریخی، با مناجاتهای زیبا آن را پایان میدهد. شاعر از هر فرصتی برای بیان دقایق عرفانی و بروز اندیشه بلند خویشت بهره میجوید و گاهی نیز به ضرورت، به حاشیه نویسی کتاب دست میزند:

بگفت این و برخواند آن محترم دعایی که شد بر حواشی رقم  
(ص202)

#### 4-1- علت نام کتاب

شاعر طبع خویش را منتخب حق میداند و به دلیل اینکه به توصیف بحر نبوت و بحر  
ولایت میپردازد، آن را مجمع البحرین مینامد:

یکی نام برد از رسالت علم دگر نامی را از ولایت رقم  
(ص18)

یکی را ز بحر النبوت لقب ز بحر فتوت یکی منتخب  
(ص18)

#### 5- و ویژگیهای زبانی

##### 5-1- سطح آوایی

##### 5-1-1- موسیقی بیرونی

شعر کلامی مخیل، عاطفی و اثر گذار است و اگر با وزن و آهنگ مناسب با موضوع عجین  
گردد دلنشینتر میشود و اثر گذاری آن مانا تر است. موسیقی بیرونی یا وزن منظومه مجمع  
البحرین، فعولن، فعولن، فعولن، فعل (مقارب مثنی محذوف) است. این وزن از اوزان نسبتاً  
کهن عربی است. به علت دارا بودن مصوتها و هجاهای بلند دارای آوای خاص، و شدت و  
قوت است. همواره بعد از دو هجای بلند، تکیه در هجای دوم میباشد. معمولاً خانوادهٔ ادبیات،  
وزنهای حماسی را شبیه به وزن شاهنامهٔ فردوسی، در بحر مقارب میدانند. اثر مورد بحث  
نیز که موضوع حماسی-دینی دارد در بحر مذکور آمده است. شاعر در ترتیب کمیت و کیفیت  
هجاهای دو مصراع استادانه عمل کرده است. در موارد بسیار نادر وزن دو مصراع یکسان  
نیستند که البته، شاید خطا از کاتب باشد.

##### 5-1-2- موسیقی کناری

**الف) قافیه:** یکی از ضروریات در ایجاد موسیقی کناری شعر، قافیه است. وجود قافیه،  
عامل گوشنوازی و اثر گذاری بیشتر در مخاطب است. بیشتر قافیهها در مجمع  
البحرین (51٪) اسم - اسم هستند که بسیار خوش آهنگ و جذاب میباشد. شاعر در موارد  
نادر از قافیه های تکراری استفاده میکند. او گاهی واژگان را با تلفظ کهن، قافیه قرار میدهد  
که از مختصات سبک خراسانی است. مانند خوش - آتش ص19، سخن - کُن ص203

جدول 1- انواع قافیه‌ها در صد بیت آغازین

ردیف	نوع کلمه	فراوانی در صد بیت	درصد (%)
1	اسم - اسم	51	51
2	اسم - صفت یا برعکس	22	22
3	صفت - صفت	12	12
4	فعل - اسم یا برعکس	6	6
5	فعل - فعل	5	5
6	فعل - صفت یا برعکس	3	3
7	حرف - حرف	1	1

- عیوب قافیه: شاعر در ساخت قافیه‌های بی‌عیب و مناسب تواناست ولی در مواردی اندک عیوب قافیه در ابیات ملاحظه میشود. مانند:

سخن در دو نامه خرد گرد بخش      ز هر یک صد اهل سخن بُرد بخش  
(ص18)

در بیت مذکور، همسانی مصوت در هجاهای قافیه (رَد\_رُد) رعایت نشده است و عیب "اقوا" مشاهده میشود.

- ذوقافیتین: یکی از ویژگی‌های سبکی دوره تیموریان و آغاز صفویان ظاهر شدن ذوقافیتین است که در این منظومه هر چند اندک، ولی یافت میشود و شاعر دو واژه آخر مصراعهای یک بیت را قافیه قرار میدهد. مانند:

گاهی در چمن جام ساقی در آرزو      ز ساقی دمی عمر باقی شمار  
(ص18)

بگفتا که مرهون ز نان بایدم      جز این هر چه باشد زبان آیدم  
(ص169)

ب) ردیف: ردیف از فرعیات موسیقی کناری است که شاعر فارسی زبان به یاری وجود افعال ربطی و وسعت جایگزینی کلمات در زبان فارسی میتواند با این شگرد بر موسیقی شعر بیفزاید. "ردیف یکی از ویژگیهای شعر پارسی است که در ادب هیچ زبانی تا آنجا که آگاهی داریم به وسعت شعر پارسی نیست." (صور خیال در شعر فارسی، ص221). با تأمل در منظومه

پی میبریم که شاعر در مثنوی خویش به ضرورت، ردیف آورده است. با بررسی در صد بیت آغازین منظومه 29 مورد ردیف مشاهده میشود و بسامد ردیفهای فعلی بیشتر است.

جدول 2- انواع ردیف در صد بیت آغازین

ردیف	نوع	فراوانی	درصد (%)
1	فعلی	15	15
2	ضمیری	7	7
3	اسمی	4	4
4	ترکیبی	3	3

### 5-1-3- موسیقی درونی

### 5-2- سطح واکی و آوایی

چنانکه میدانیم بررسی جلوه های موسیقایی در قلمرو ادبی و دیگرگونی واکها یعنی: ابدال، تخفیف، حذف و قلب، در قلمرو زبانی جای دارند و "البته بعضی از این دیگرگونیهها مربوط به شیوهٔ کتابت است" (دستور تاریخی زبان فارسی: ص 28). با واکوی منظومه، دیگرگونی واکها و نیز جلوه های موسیقایی آنها که بر اساس تکرار حاصل میشوند بررسی شده، بسیاری از این دیگرگونیههای واکی نمایان میگردد. در ادامه به مواردی چند اشاره میشود:

(1) حذف در کلمات:

به شاخ امل میوهٔ آرزو      بسی مانند خواهد فتادن از او  
(ص 15)

شمارا به هر دو جهان دوستار      به جز احمد و آل، ناید به کار  
(ص 13)

(2) تبدیل مصوت (آ) به (-):  
به رتبت غلامان این درگه اید      گر از رتبت خویشتن آگه اید  
(ص 13)

(3) متحرک کردن حرف بدون حرکت:  
به عهدش مباحشید نا استوار      از او چونکه هستید در زینهار  
(ص 182)

(4) گاهی همزه به جای (ای) آورده میشود:  
چمن سالها میوهٔ (میوه ای) پرورد      از او عاقبت خاک روزی خورد

(ص 194)

5) مشدد کردن کلماتی که در بافت آنها تشدید نیست:

به پروردن او کمر بسته دار      چو آن نیی که او شکر آرد به بار  
(ص 10)

6) تلفظ مصوت بلند (او) به جای تلفظ مصوت کوتاه (-) و یا بر عکس مانند بُد به جای بود(ص 3)

ز خشکی شده سینه ام چاک چاک      چو صندوق کهنه، بلند و مگاک  
(ص 15)

7) حذف تشدید :

ز ابن عمش زوج خیر النسا      قوی پشت گشتن به حکم خدا  
(ص 18)

8) متحرک کردن حرف ساکن و اسکان حرف متحرک مانند وهبش به جای وهبش،  
نزداید به جای نژداید (ص 185)

فروزنده بزم گلزار جان      چنین مسند آراست، در گلستان  
(ص 19)

9) آوردن همزه به جای (ی):

تو را جوید آن دل که جائیش (جایش) هست      گر از زنده جانان نشانیش هست  
(ص 4)

10) به کار بردن (ت) به جای (ه) در واژه های عربی:

به رتبت غلامان این درگه اید      گر از رتبت خویشتن آگه اید  
(ص 13)

11) حذف کسره اضافه:

که آن نور رخسنده چون آینه      چو مصباح دادش ز بطن آمنه  
(ص 21)

12) ظاهر شدن دال میانجی در پیوست (به حرف اضافه) به (ضمیر) که از ویژگی های سبک  
خراسانی است: بدیشان (ص 189-191)

روان شد بدو شاه چون سیل آب      به سر خورد فولاد همچون حباب  
(ص 180)



13) واو معدوله: واوی که نوشته میشود ولی خوانده نمیشود و در منظومه گاه با تلفظ کهن یافت میشود.

بداند کسی کش به خود زندگی است که مرگی چنان به ز صد زندگی است  
(ص182)

#### 6- سبک شناسی واژه ها

##### 6-1- کاربرد لغات عربی

واژه های عربی در بسامد بالایی وجود دارند که یکی از مختصات سبک عراقی این منظومه است. چون: سدره، سریر، نیبه، عقد، الطاف، صلات، سبط، منهاج، جحیم، حیه، مرضیه، محیا، نوال، مآثر، کرام، مازاغ، قرطین

بشیری به من گفت: جوهر به نام که دارد زخاک نجف احترام  
(ص135)

##### 6-2- کاربرد شکل کهن واژه ها

کاربرد این واژه های کهن از مختصات سبک خراسانی شاعر است. چون: ماندن: زنده نگه داشتن، بگذاشتن (مانند کاربرد در شاهنامه)، فروخت: افروخت، جلوه گری کرد، ظاهر شد، نیارست: نمی توانست، فسوس: استهزا، ریشخند، پاریز: پاییز، مخت: امیدواری، شکرخا: سخت شیرین، شکرخوار، اژدر: مار بزرگ، خرد را ماندن: عقل را از دست دادن، عنان گرم: تند و سریع، خوَش: خوب، نیک، گوارا، پرند: جامهٔ ابریشمی، گران: ناپسند، فراوان، شد: رفت به یکباره از هم فرو ریختند نبی را بماندند و بگریختند  
(ص185)

##### 6-3- کاربرد واژه های عرفانی

کاربرد این واژه ها از مختصات سبک عراقی است. و بیان کنندهٔ اندیشهٔ دینی\_عرفانی شاعر است. چون: شوق حضور، انسان کامل  
رساند ز کثرت سوی وحدتم رهاند مگر جذبه زین کثرتم  
(ص1)

##### 6-4- کاربرد واژه های ترکی و مغولی

این واژه‌ها بعد از حمله مغولان و در دوره تیموریان به زبان فارسی راه مییابند و از ویژگی‌های سبک عراقی است؛ چون: خان، طغرای:  
یکی آل تغما و دیوان دوست زده بر نشانی که این حکم اوست  
(ص 173)

#### 6-5- کاربرد واژه‌های مسیحی

شاعر از واژه‌های مسیحی برای القای معانی بوفور استفاده کرده است. مانند: ناقوس،  
جزیه  
چه گبر و چه ترسا کز این ناصواب شد آنها که کافر شود ز آن بتاب  
(ص 274)

#### 6-6- ترکیب سازه‌های ابداعی

عیشناک : آغشته به خوشی و سرور ص 15، شمس الدجی : خورشید تاریکی‌ها  
ص 17، آشیانگاه : آشیانه (ص 218)، وهمگین : ترسناک (ص 220) ، هولگین : ترسناک  
(ص 221).  
از این داستان غم آیین ز نو جگر سوز و جان کاه فصلی شنو  
(ص 183)

#### 6-7- کاربرد واژه‌های عامیانه

کاربرد واژه‌های عامیانه بیان‌کننده راه یافتن شعر از دربار به میان مردم است. شاعر با شکستن و محاوره‌ای ادا کردن واژه‌ها، زبان نوشتار را به گفتار نزدیک میکند و زبان شعر در این خصوص با سبک هندی قرابت مییابد: چون و چند (ص 22)، چه کار و چه بار (ص 16)، همش (ص 17).  
کز آن پیش بر سر بر این سرگذشت که گویند مسکین فلان در گذشت  
(ص 17)

#### 6-8- کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات نجومی

زحل، خورشید، فلک (ص 10)  
ز کلک عطارد که تیری است راست خطی جز به خون عدویش نخاست  
(ص 10)

#### 7- ویژگی‌های ادبی

### 7-1- بیان

علم بیان شامل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است. شاعر در کاربرد این قسم از علوم بلاغی تواناست و از این فنون خصوصاً تشبیه، استفاده کرده است. حقیقتاً بیان "شارع و شاهراهی است که ما را به شهر رویایی و مخیل هنرمند و اثر هنری میبرد" (بیان، 1393: ص26).

### 7-1-1- تشبیه

با دقت بر هزار بیت از اشعار منظومهٔ مجمع البحرین، 89 مورد تشبیه یافت میشود، که 54 مورد آن، تشبیه حسی - حسی میباشد. "ادبیات قدیم عرب توصیف را به دو نوع تقسیم کرده اند: حسی و خیالی" (بلاغت تصویر، 1385: ص71) شاعر بیشتر در شرح تاریخ اسلام و توصیف حماسهٔ دینی خویش از این نوع تشبیه (حسی-حسی) استفاده کرده است. او در بیان حسب حال خود نیز گاهی این شگرد را به کار میبرد. "در شعر سبک خراسانی که اغلب، تصویرهای سطحیند، دو طرف تصویر، از امور حسی گرفته شده است." (همان: ص63)

- تشبیه حسی - حسی:

چه ابری فروزنده چون آفتاب      چه ماهی که از مهر دارد نقاب  
(ص25)

دهان، از خورش رفته، دندان زکار      لعاب زبان، در دهان، زهر مار  
(ص15)

از این تعداد ابیات مورد بررسی در 8 مورد، تشبیه مرکب وجود دارند که همه حسی - حسی میباشد. شاعر با این روش، دریافت وقایع تاریخی و حماسهٔ دینی را که عامهٔ مردم مخاطب آن هستند زود یاب و رسا میسازد:

چو مرغی که او بچه را طعمه داد      زمانی دهان در دهانش نهاد  
(ص24)

- تشبیه تمثیل: تشبیه مرکبی است بدون حضور ادات تشبیه و گاه بدون مشبه در حالت استعاره، با بسامد کم مشاهده میشود:

بگفتا مکن گریه، ای چشم زار      که شاخ کهن، ز آب ناید به بار  
(ص15)

در میان 89 مورد تشبیه، 31 مورد تشبیه عقلی - حسی یافت میشود. او برای شرح دقیق عرفانی، حسب حال شهودات خویش، امور انتزاعی و گاهی وقایع دینی - تاریخی که مشبه ها، فراحسی و ماورائی هستند از این روش مدد میجوید تا با الفاظ زمینی، مفاهیم آسمانی را به قدر توان، قابل ادراک سازد. "این شگرد تصویرپردازی را که از سطح ادراک حسی فراتر می‌رود و به تجسم فراحسی می‌پردازد تصویرپردازی اعماق نامیده ایم." (همان، 1385:ص63) به نقلی دگر دیدم از ناقلان که عبدالله آن ابیر فیض جهان (ص21)

از میان چهار رکن تشبیه شاعر دو رکن اصلی (مشبه و مشبه به) را بیشتر می‌آورد که آن را تشبیه بلیغ مینامند. این صنعت به صورت اسنادی یا اضافی ظاهر میشود. البته تشبیه‌های تکراری و مبتدل نیز در میان تشبیه‌ها فراوان است.

دو ابرو که بد چون کمانی به زه شد از ماتم من گره بر گره (ص15)

شاعر از تشبیه به عنوان ابزاری برای توصیفات زیبا و برشمردن جزئیات به شیوه سبک خراسانی بهره میگیرد. در میان هزار بیت مورد بررسی چهار مورد تشبیه عقلی - عقلی مشاهده شد.

هما ساز همت، به پرواز شو به معراج با یار دمساز شو (ص20)

جدول 3- انواع تشبیه و تعداد آنها در هزار بیت

تعداد کل تشبیه در هزار بیت	عقلی_عقلی	عقلی_حسی	حسی_حسی
89	4	31	54

### 7-1-2- استعاره

در مجمع البحرین استعاره‌ها زودیاب هستند و به آسانی ادراک میشوند. معمولاً قبل از این که استعاره شوند در آغاز، تشبیهاتی بوده اند که خواننده آنها را دیده است و با آنها آشناست و خواننده با قرینه‌های صارفه، به سادگی استعاره‌ها را میتواند دریابد. مثال:

بلی اژدرش خصم جان عقرب است دم تیغ من نیش آن عقرب است (ص156)

تشبیه: دم تیغ به نیش عقرب مانند شده است.

گر اژدر شود خصم گر شرز مار  
که این عقرب از وی برآرد دمار  
(ص156)

استعاره: (نیش)عقرب استعاره از دم تیغ است.

• استعاره مصرّحه: معمولا این نوع از استعاره، محسوس و از عناصر طبیعی است. تا خواننده سریعتر بتواند هدف از استعاره را که مشبه محذوف است دریابد. مشبه های محذوف از امور طبیعی یا انتزاعی میباشند. در میان هزار بیت 36 مورد استعاره مصرّحه یافت شد. مثال:

چو گشت آن سحاب از میان برطرف  
عیان گشت در یتیم از صدف  
(ص21)

سحاب: استعاره از عبدالله  
• استعاره مکنیه: در میان هزار بیت، 12 مورد استعاره مکنیه یافت شد. البته یادآور میشویم که بیشترین استعاره مکنیه در براعت استهلال آغاز وقایع تاریخ اسلام است و از نوع تشخیص ظاهر میشوند. مانند چرا غنچه دندان نمود از بهار (ص19)  
محاسن به پیرامن کوثرش  
چو سنبل که ریحان خجل بد برش  
(ص5)

کوثر: استعاره مصرّحه از صورت نبی اکرم ص؛ ریحان خجل شد: استعاره مکنیه

جدول 4- انواع استعاره و تعداد آنها در هزار بیت

تعداد کل استعاره	استعاره مصرّحه	استعاره مکنیه
48	36	12

### 7-1-3- کنایه

با بررسی هزار بیت از منظومه، 60 مورد کنایه یافت شد. که بیشتر آنها فعلی هستند و کنایه های اسمی کمتر مشاهده میشوند. کنایه های فعلی مانند: زبان قاصر بودن: عاجز و ناتوان بودن در بیان ص1، دو بین شدن: منحرف شدن ص3، دست و پا زدن: تلاش کردن ص4، رخ بتافتن: بی توجهی کردن ص6، سبّلت کردن: حسرت دادن، حسرت خوردن ص8، چشم دوختن: خیره شدن ص8، گوش داشتن: پند پذیر بودن، ص9، برقع گشودن: حجاب را کنار زدن ص10، پرند گشادن: مورد لطف قرار دادن ص23، به پشت پدر رفتن: نیست و نابود شدن ص16 و...

کنایه‌های اسمی مانند: تیز دندان : خطرناک ، فریاد رس : یاری رسان ، هوادار : دوست و پشتیبان و... بعضی کنایه‌ها عامیانه می‌باشند، مانند چشم سفید بودن : بی حیا بودن و... بعضی کنایه‌ها به آداب و رسوم قدما اشاره دارند، مانند آیینه‌داری : جلوه‌گری و عاریه گرفتن زیبایی‌ها و ...

نظر بر تو دارم، من تیره روز  
بدر پرده و چشم من، برفروز  
(ص 2)

تیره روز: بدبخت (کنایه اسمی)؛ پرده دریدن: آشکار شدن اسرار و کنار رفتن حجاب (کنایه فعلی)

#### 7-1-4- مجاز

در مجمع البحرین، آرایه مجاز بسامد کمی دارد و گاهی هم تکراری است. در هزار بیت مورد بررسی، حدود 20 مورد مجاز با علاقه‌های مختلف یافت شد. مانند واژه شبان در بیت ذیل با علاقه عام و خاص، مجاز از حضرت موسی است:

در این وادی ایمنم چون شبان  
به اول قدم ز آتشی ده نشان  
(ص 1)

#### 7-2- بدیع معنوی

#### 7-2-1- اغراق

اثر مورد بحث یک حماسه دینی است و لازمه یک اثر حماسی ظهور اغراق در بسامد بالاست. اغراق در این حماسه با انتقالی بسیار صریح و آشکار است. مخاطب عام را به وجد می‌آورد، شیفته میکند و مسحورانه به دنبال خود میکشاند.

که از آمنه آتشی برفروخت  
که از پرتوش هر چه بد بود، سوخت  
(ص 23)

#### 7-2-2- مراعات نظیر

شاعر مجمع البحرین، واژگانی را که با هم تناسب معنایی دارند و در اکثر مواقع با تلمیحات دینی، داستانی و تاریخی آمیخته می‌شوند، در بسامد بسیار بالا از درخت واژگان کنار هم می‌چیند تا متن زیباتر جلوه کند.

ز کیه، رضیه، محدث به نام  
چو جان طاهرو فاطمه، والسلام  
(ص 144)

### 7-2-3- تضاد

شاعر کلمات متضاد را هنرمندانه و به وفور به کار میبرد و گاه با آرایهٔ تکرار که بسامد بالایی هم دارد همراه میسازد.

بگفت ای تو بخشندهٔ زوردست      بلند از تو بر اوج و پست از تو پست  
(ص202)

### 7-2-4- ایهام

در مجمع البحرین، شاعر چون به حقایق تاریخی میپردازد و با بیان روایی - داستانی، حماسه سرایی میکند و مخاطبین او عامه هستند، کمتر به تخیلات پیچیده دست میبرد تا مفاهیم عظیم، قابل درک همگان باشد. بسامد این آرایه بسیار کم است. مانند حرف (در معانی سخن و واج) ص6، در بیت ذیل شاعر به دو معنی واژهٔ "قاف": حرف و کوه و دو معنی واژهٔ "عین": حرف و ذات، نظر دارد.

کجا عاشقی در جهان بی گزاف      بود عین عشق ازل تا به قاف  
(ص22)

### 7-2-5- تلمیح

شاعر برای تبیین دقایق عرفانی در کمال بلاغت و توانایی به آیات، احادیث، ادعیه و نظرات عرفای پیشین چون ابن عربی و عطار اشاره میکند. این شگرد شاعر حاکی از تسلط و آشنایی او با چنین مضامینی است. او در تبیین تاریخ اسلام و شرح زندگی پیامبر اکرم(ص) و حماسهٔ دلاوریهای حضرت علی(ع) گاه آنها را به شکل کامل و با تمام جزئیات میسراید و گاه به تلمیح روی میآورد. تلمیحات او رنگارنگ است. تلمیحات دینی - تاریخی او در بالاترین بسامد است.

که آن نور نور من و شاه بود      که او راه سالار این راه بود  
(ص18)

علی بود با من در آنجا یکی      دویین کی ببیند یکی را یکی؟  
(ص18)

ابیات بالا به حدیث پیامبر اکرم(ص): اوّل ما خلق الله نوری، و حدیث حضرت علی(ع):  
فاوّل ما خلق نور حبیبه محمد(ص) تلمیح دارد.

طبق آمار استخراج شده حدود 45 مورد تلمیح، در هزار بیت مورد بررسی یافت میشود و این رقم، گویای بسامد بالای شاعر در کاربرد این آرایه است. او به مرور به شیوه تشبیه تلمیحی یا اضافه تلمیحی نیز روی می‌آورد.

### 7-2-6- متناقض نما (پارا دوکس)

اوج این آرایه که کلمات متضاد باهم تناقضهای ظاهری را ایجاد میکنند در سبک هندی است. ما شاهد حضور اندک این صنعت گیرا در منظومه مجمع البحرین هستیم. الهی به جمعی که این نطق لال از این جمع از ایشان برد انفعال (ص18)

### 7-2-7- ماده تاریخ

شاعر مجمع البحرین، در فصل تاریخ و خاتمه کتاب با استفاده از ماده تاریخ سازی، سال اتمام کتاب را 913 ذکر میکند. خدا را به بخشیدنم رای شد که تاریخ این نامه بخشای شد (ص274)

### 7-2-8- ملّع

کاربرد این آرایه در منظومه نشانه توانایی شاعر به زبان عربی و آگاهی او به مباحث دینی است. از آن پس به اولاد پاک بتول لنحشر لدهم بآل رسول (ص19)

### 7-3-3- بدیع لفظی

### 7-3-1- تکرار

با چشم پوشی بسیاری از تکرارهای واکی (واج آرایه) منظومه، میتوان حدود 200 مورد تکرار واژه یا عبارت را در میان هزار بیت مورد بررسی یافت. در مجموع، شاعر از این شیوه بدیع لفظی به وفور استفاده کرده است. وبسامد بسیار بالای آن، دلیلی است، بر توانایی شاعر، در ایجاد موسیقی درونی تا حوادث تلخ و شیرین تاریخی را با لحن و فضای موسیقایی مناسب با موضوع، بیان کند و مخاطب را با این گوش نوازی مجذوب نماید. شاعر علاوه بر تکرار واژگان در یک بیت روش خاص دیگری را نیز در پیش گرفته است و آن تکرار واژگان



در بیت‌های متوالی است و این ویژگی از کاربردهای خاص شاعر است که با بسامد بالا یافت میشود.

(1) تکرار واک یا (واج)

کریمَا، رحیمَا، جهَان داورَا  
به هر کَار، یاری دهَا، یاورَا  
(ص1)

(2) تکرار واژه: در یک بیت :

الهی به احرام آن محترم  
کز احرام او محترم شد حرم  
(ص122)

(3) تکرار واژه در ابیات پیاپی :

زآشفستگی امهات جهان  
موالید خود را ببرد از میان  
(ص219)

موالید چون یافت زینسان فتور  
به کار اب و ام درآمد قصور  
(ص219)

(4) تکرار عبارت : تکرار حرف تو (ص2)، گرد کفر (ص6)، درمیان (ص6) ، بهی در بهی  
(ص17)

### 7-3-2- جناس

جناس یکی از موارد مورد بحث در موسیقی درونی شعر است و از شاخه‌های بدیع لفظی میباشد. از میان هزار بیت بررسی شده، حدود 60 مورد جناس یافت شد. شاعر بیشتر به ظاهر سازی و زیبایی‌های آوایی و موسیقایی میپردازد و کمتر خود را به وادی نازک خیالی میکشاند. پرداختن به ظاهر و زیبایی‌های آوایی از مختصات دوره تیموریان است. با بررسی کتب دینی (قرآن، انجیل، زبور و...) متوجه میشویم که خداوند متعال نیز برای تعلیم و آموزه‌های دینی و جذابتر و دلنشینتر شدن مطالب از آرایه‌های لفظی تکرار و جناس بیشترین بهره را برده است. ناظم این اثر حماسی- دینی نیز بالطبع چنین عمل کرده است. جناس انواعی دارد. مانند:

- 1) جناس تام  
وگر گویمت ما و من نیستی      که مستی نجوید کس از نیستی  
(ص 4)
- 2) جناس مرکب : دردسر / دردِ سر ص 13  
امیری به هر حکمران، حکم ران      خلافت مکان، بی خلافتی، در آن  
(ص 17)
- 3) جناس مضارع:  
همان دانشِ هرکه از پس بود      زیک قطره از بحر تو بس بود  
(ص 24)
- 4) جناس محرف: خاتم / خاتمِ ص 23، دُر/دُرص 185  
به گل هرکه گل دید گل بین بود      زگلزار این نور، گلچین بود  
(ص 20)
- 5) جناس اشتقاق: کاربرد این جناس نسبت به دیگر انواع جناس بیشتر است. شاید علت آن، اشراف شاعر به زبان عربی و آگاهی کامل وی به ریشه‌واژگان باشد.  
ندای منادای ناد علی      به لفظ فصیح و بیان جلی  
(ص 184)
- 6) جناس اقتضاب (جناس اختلاف مصوت بلند):  
به رحمت فرود آمد از آسمان      امین زمین و امان زمان  
(ص 21)
- 7) جناس زاید: راز/دراز ص 21، سمک/سماک ص 5، دُر/دُرچ ص 185

جدول 5- واکاوی صنایع ادبی در هزار بیت

تکرار واژه	جناس	مجاز	تلمیح	کنایه	استعاره		تشبیه			آرایه
					مصرحه	مکنیه	عقلی	عقلی	حسی	نوع
							عقلی	حسی	حسی	
					12	36	4	31	54	تعداد
200	60	20	65	60	48		89			مجموع

### 8- ویژگیهای فکری

#### 8-1- تحمیدیه

کسی را که مقصد بود کوی دوست به ره هر چه پیش آیدش گوید اوست  
(ص 1)

#### 8-2- منقبت رسول اکرم (ص) ومدح معصومین(ع)

الهی به آن مظهر اسم ذات که دارد لقب سید کائنات  
(ص 7)

که چون اسم اعظم گرامی کنم رهم ده به آن اسم و نامی کنم  
(ص 7)

#### 8-3- مدح بزرگان

از جمله مدح شاه اسماعیل صفوی:  
فروزنده جام جهان بین دلش دو عالم در او منعکس حاصلش  
(ص 10)

#### 8-4- اندیشه دینی و تسلط بر قرآن و احادیث

زنقل حدیث و ز نص کتاب نمودم ز هر منتخب انتخاب  
(ص 17)

به نور نبی و به حق کتاب که بنما نشانی ز خویشش به خواب  
(ص 30)

#### 8-5- اندیشه عرفانی(عرفان ابن عربی)

وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت صص 1-2 - 3-118، رضا و تسلیم ص  
1-5، قرب و زدودن حجابها صص 2-3، نیستیهای هستی نما و هستی نیستی نما صص 2

4- لوح محفوظ و علم الهی ص 2 اختیار انسان ص 2، جذبه و کشش از جانب حق بودن ص 1- 3- 4- 5، واجب الوجود بودن خدا ص 3- 4، فیض خدا ص 4- 5، انسان کامل بودن پیامبر اکرم ص 6- 5، اغتنام فرصت ص 5، منتظر بودن به ظهور حضرت حجت ص 8، نظام عدل حاکم بر عام ص 5، تاثیر همنشینی بر سرنوشت آدمی ص 11، سحر خیزی و عافیت ص 11، مهر ورزی و نیکی ص 11- 205، تغییر احوال جبری با حبّ نبی و آتش ص 172- 193، شوق حضور ص 1، بر پایه عشق بودن جهان ص 3- 4، وحدت وجود ص 8، تشبیه و تنزیه ص 8، ترسیم فضاهای معنوی و ماورایی با رنگ‌های نورانی سفید و سبز و آبی ... ص 23- 27، ارزشمندی حضور در خانقاه ص 97، خلوت نشینی عامل اعجاز اعمال است ص 132

#### 8-6- تلفیق اساطیر دینی و پادشاهان ایرانی

امام زمان شاه حیدر نژاد      کهن‌ خادمی از درش کیقباد  
(ص 10)

#### 8-7- توصیف وقایع اسلام، معجزات، کرامات و حماسه های دینی

نبی گفت تا محضری ساختند      ز رخت شتر منبری ساختند  
(ص 111)

روان گشت و بر کف ید حیدرش      برآورد با خویش بر منبرش  
(ص 111)

تو گفستی کز این گلشن بارور      دو شاخ از یکی اصل سر زد دگر  
(ص 111)

#### 8-8- توصیف طبیعت

توصیف شب :

چو گرد سپه برد، از روز تاب      سر شاه خاور در آمد به خواب  
(ص 151)

#### 8-9- توصیفات غنایی

لحظه دیدار حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) هنگام جاری شدن خطبه عقد:  
چو سابق برآن بود حکم قضا      ز قدرت برآن شد دل مرتضی  
(ص 144)

کشد سوی خانه زبرج شرف  
کوه آن درّ درّی ز درج شرف  
(ص144)

به چشمش حیا و به دل آرزو  
خرامان به سوی نبی کرد رو  
(ص144)

به خود کرد چشم و به او داد دل  
چو چشمش بدان نور شد متصل  
(ص144)

### 8-10- اعتقاد به باورهای مردمی

بیابد از او هر که در جست و جوست  
بله هر خرابی که گنجی در اوست  
(ص17)

چو این طرح را بیند از چشم دور  
شود چشم بدخواه از زخم دور  
(ص18)

### 9- نتیجه

منظومهٔ مجمع البحرین، تصنیف شاعری با تخلص اسیری از آثار قرنهای نهم و اوایل دهم است. این مجموعه از اشعار آیینی است که به شرح تاریخ اسلام، منقبت رسول اکرم (ص)، غزوات او و دلاوری های حضرت علی (ع) پرداخته است. با واکاوی قلمرو زبانی، ادبی، فکری و بسامد کاربردی زیر مجموعه های آنها درمییابیم که سبک شاعر آمیخته ای از سبکهای خراسانی و عراقی است، برخی مختصات کهنه و نو در آن موج میزند و جرقه هایی از سبک هندی در آن مشاهده میشود. قالب منظومه، مثنوی است و وزن متقارب دارد. قافیۀ اسم-اسم (51٪) بالاترین بسامد را دارد و حدود 29٪ ابیات ردیف دارند و بسامد ردیف فعلی بالاتر از انواع دیگر است. برخی ویژگیها، مانند کاربرد لغات کهن و عربی، واژه های ترکی و مغولی، ترکیبات ابداعی، روی آوردن به عرفان و دوری از اشعار ستایشی - درباری، کم شدن تعمق، اعتدال در بدیع معنوی، توجه بیشتر به صنایع ظاهری به ویژه، کاربرد آرایه های تکرار و جناس با بالاترین بسامد، در مجمع البحرین مشاهده میشود. در قلمرو ادبی؛ بیان، آرایۀ تشبیه (89 مورد در هزار بیت) و از نوع حسی - حسی (54 مورد در هزار بیت) بالاترین بسامد و مجاز کمترین بسامد را داراست. فراوانی کاربرد اغراق و تلمیحات دینی - تاریخی در این حماسه دیده میشود. کاربرد ماده تاریخ و معما هر چند اندک، توجه به اعتقادات عامۀ مردم و اصطلاحات عامیانه نشانه هایی از ظهور سبک هندی است. زبان شعر ساده و روان است. در آغاز شرح هر واقعه شاعر با شگرد براعت استهلال مخاطب را آماده و مشتاق میکند

تا با زبان روایی - داستانی، صحنه‌های حماسی تاریخی- اسلامی را بر پرده ذهن او نمایش دهد و بعد با مناجات دلکش به پایان رساند. آرایه تشخیص در بخش براعت استهلال بسامد بالایی دارد. مجمع‌البحرین از نوع ادبیات تعلیمی و حماسی است و شاعر ضمن شرح حماسه دینی خود با مخاطب عام، در لایه‌های شعری به بیان اتو بیوگرافی و اندیشه والای خویش و دقایق عرفانی\_ اخلاقی میپردازد.

### منابع و مأخذ

- 1- آهنگ شعر فارسی، فضیلت، محمود، (1388)، چاپ پنجم، ویراستار دکتر جلیل تجلیل، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- 2- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود (1389)، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- 3- بیان، شمیسا، سیروس، (1393)، چاپ سوم، تهران: نشر میترا.
- 4- توصیف و تصویرگری در منظومه حماسی علی‌نامه، آقاسینی، حسین و دیگران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره 20 (پیاپی 17) زمستان 85، ص 3.
- 5- دستور تاریخی زبان فارسی، ابوالقاسمی، محسن (1392)، چاپ نهم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- 6- دستور تاریخی زبان فارسی، ناتل خانلری، پرویز (1392)، چاپ هشتم، به کوشش دکتر عفت مستشارنیا، تهران: انتشارات طوس.
- 7- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، (1382)، چاپ هفتم، تهران: نشر میترا.
- 8- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (1392)، چاپ نوزدهم، نشر آگه.
- 9- فنون بلاغت و صناعت ادبی، همایی، جلال‌الدین، (1367)، فنون بلاغت و صناعت ادبی، چاپ چهارم، تهران: موسسه نشر هما.
- 10- نگاهی تحلیلی به علم بیان، آقا حسینی، حسین و همتیان، محبوبه (1394)، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).